

هجوم



آر ش حسن پور
پژوهشگر مطالعات تصویری

اعتراض عصبی هیجانی، رکن اصلی ورزش و فوتبال امروز ایران شده است. هجوم و خشونت گویی لازم اساسی فوتبال باشگاهی ما شده و قانون نانوشته «آنکه قلدرتر است محقتر است» در زیر پوست فرهنگ ورزش جریان پیدا کرده است. عکس نمایی از این به هم ریختگی و آشوب و هرج و مرج است. ترکیبی از دعوا، قلدری، فحاشی، عدم عقلانیت، خود برتر پنداری، نقض قانون و اعتراض. فوتبال باشگاهی که هیچ، فوتبال ملی نیز بر سر این رویه زشت و ناپسند و ضد فرهنگی، کم هزینه و بها نپرداخته است. تراژدی مسابقه با ژان را به خاطر بیاوریم. آن نمایش غیر حرفه‌ای بازیکنان ملی پوش را، ریشه همین جاست. در همین عرصه که فرهنگ والا و عقلانیت روز به روز بیشتر به حاشیه رفته و پول و سرمایه و زد و بند و مشی پر خاشک‌گرانه قوانین بازی را تعیین می‌کنند.

نوربرت الیاس، جامعه‌شناس معتقد بود ورزش جایگزینی برای خوی‌های سرکوب‌شده و آداب‌دانی است که بر مردم تحمیل شده است، اما آنچه در عکس شاهدش هستیم نه روندی متمدن که قرار است خشونت را نهادینه سازد بلکه عین خشونت و مهملی برای آن شده است. از همین رو است که تجدیدنظر در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و تدوین پروتکل‌های انضباطی و تشویقی در حوزه ورزش و اهمیت قانون بیش از هر زمانی لازم و مبرم به نظر می‌رسد. این مرافعه نتیجه را برای تیم استقلال و کادر فنی و مدیریتی باشگاه تغییر نداد بلکه این مجموعه را در دایره اخلاق ورزشی هم زیر سؤال برد. غیاب نیروی‌های کنترل‌گر ورزشی و سازمانی در عکس، فقط غیاب افراد حقوقی نیست بلکه فقدان جایگاه نهادی قانون و عوامل و ضابطان آن است. بازی بدون برنده؛ باخت-باخت.

به داور خواهد رسید و دمار از روزگارش در خواهند آورد. سرمربی سفید پوشیده ولی اهل صلح نیست و رخسارش بشدت برافروخته است، لباس ورزشی بر تن دارد اما به دور از فتوت با داور سر جنگ دارد. او از مرزهای قانونی عبور کرده و قانون ورزشی و اخلاقی را زیر پا گذاشته است، به مستطیل سبز وارد شده و در حال تاختن به قاضی مسابقه است. او سرلوحه شاگردان خود نیست بلکه همان‌گونه که در قاب‌های دیگر گزارش تصویری این مسابقه می‌بینیم این بازیکنان و شاگردان هستند که وی را دعوت به آرامش کرده و از زمین با سلام و صلوات بیرون می‌برند. سرمربی در نهایت کارت قرمز گرفت و از سکوها بازی را دنبال کرد. قاضی هم راهی جز دعوت به صبوری و فراخواندن حضار به قانون نداشته و ندارد. او مرزهای خود را به خوبی می‌شناسد اما در این قاب و این مساحت سبز، اسیر و احاطه شده است. این مسابقه سه کارت قرمز در خود داشت. بر خلاف رنگ‌هایی که در این عکس است کارت‌های مسابقه نشان از وضعیتی بحرانی در فوتبال ایران است؛ گرفتاری و معضل بازیکن‌سالاری و به محاق رفتن قانون.

داور نماد امر قانونی است. او در این قاب از همه بی‌پناه‌تر و در حاشیه‌تر است. در حقیقت می‌توان این‌گونه عکس را تفسیر کرد که آن چیزی که در حال اضمحلال و نفی است، قانون است. قانون پیروی نمی‌شود و مورد تمکین نیست؛ نه توسط بازیکن، نه سرمربی و نه کادر فنی تیم استقلال. این بی‌انضباطی و بی‌سروسامانی فرهنگی مطلقاً مختص تیم استقلال نیست و در سراسر فوتبال و کلیت ورزش حکم فرماست؛ قانونی که درونی نشده است و بازیکنانی که عصیانگرانه به نماد و ضابط قانون می‌تازند تا به صورت روزافزونی اهمیت و جایگاه قانون را سست و بی‌معنا سازند.

افراد بر حسب لباس و پوشش شان واضح و هویداست. بازیکنان لباس ورزشی بر تن دارند. داور لباس خاص دیگری پوشیده است و سرمربی تیم باز پوشش ورزشی و عامل اجرایی کت و شلوار دارد. عمده قاب را بازیکنان و کادر فنی آبی تصرف کرده‌اند و فضا برای داور لحظه به لحظه در حال تنگ شدن است. قاعده وارونه شده است. همه نگاه‌ها به سمت داور نشانه رفته است. گویی اوست که خاطی است (برعکس بازیکنی که باید جریمه شود). داور در حال عقب‌نشینی است و از همین رو با زبان بدن و زبان محاوره سعی دارد این جبهه را عقب براند. داور گوشه رینگ است. جالب آنکه در قاب خبری از تیم مقابل و حریف میزبان نیست. آنها صحنه را ترک کرده‌اند و گوشه‌ای دیگر به نظاره موقوفه نشسته‌اند. در حقیقت ما شاهد یک مسابقه یک‌طرفه هستیم؛ مسابقه نه بین استقلال و فولاد، بلکه بین تیم استقلال و داور مظلوم مسابقه که حامی و همراهی ندارد. توپ و دروازه‌ای هم وجود ندارد. بازی بر سر چیست؟ در عکس نه خبری از عوامل فدراسیون و ناظر فنی هست و نه دستیاران داور. داور، دوره شده است. او تک و تنهاست. یورش، جدی است. در اینجا خشونت در جریان بازی معنا ندارد بلکه نفس خشونت است که بازی را متوقف کرده و شکل متزایدی به خود گرفته و در وقت توقف مسابقه نیز تشدید شده است. زبان بدن و حالات روانی بازیکنان استقلال بین خشم و اعتراض و شکایت و تعجب در نوسان است. سرکرده این جبهه را سرمربی جوان تیم استقلال بر عهده دارد که گویی آنقدر جلو رفته که می‌خواهد یقه داور را بگیرد. شکایت او از همه تند و تیزتر و پر خاشک‌رانه‌تر است. موضع بازیکنان استقلال تهاجمی و فراتر از شکایت است. گویی برای دعوا در حال گریبان دریدن هستند و عن‌قریب دست‌شان

عکس در فضای بیرونی گرفته شده و در زمره عکس‌های خبری-ورزشی است. این عکس‌ها توصیف و شرحی از واقعه و گزارشی بی‌طرفانه از رخداد ارائه می‌کنند که در حوزه تحلیل عکس، موسوم به عکس‌های توصیفی-توضیحی هستند. شب است. نورهای داخل قاب ناشی از نورهای مصنوعی شبیه نورافکن‌های گول پیکر است. لوکیشن و محل ثبت عکس، ورزشگاه غدیر اهواز و ورزشگاه اختصاصی تیم فولاد خوزستان (فولاد آرنا) است. واقعه حین مسابقه دو تیم فوتبال استقلال تهران و فولاد خوزستان از سری مسابقات لیگ برتر فوتبال ایران بازی معوقه هفته هفدهم است. بازی‌ها با تصویب ستاد ملی کرونا و اجازه وزارت ورزش و فدراسیون فوتبال با تدابیر ویژه‌ای مجدد و پس از وقفه‌ای چهار ماهه از سر گرفته شد.

عکس صحنه‌ای از (حین) بازی را نشان نمی‌دهد. بازی متوقف شده است. نمای عکس متوسط و مدیوم‌شات است و واقعه برای عکاس اهمیت داشته است و به خاطر تعدد نفرات قاب عریض و افقی گرفته شده است تا مخاطب و بیننده از موقوف و حادثه به‌طور کلی اطلاع پیدا نماید. عکس از زاویه هم‌پراز و برابر با سوژه و موقعیت گرفته شده است. عکس شلوغ است و ۹ نفر در قاب حاضر هستند. حضار، بازیکنان، داور، کادر فنی و عوامل اجرایی مسابقه فوتبال هستند. تمایز